

متن پرسش

ضمن عرض سلام و ادب بنده می‌خواستم نظر خودم رو راجع به قضیه ذوالقرنین بیان کنم من کتاب جناب آقای مستحسن رو بطور کامل خوندم و همچنین تفسیر المیزان رو در مورد همین قضیه و می‌خوام چند ایراد وارد کنم: ۱. ضمن اینکه نگرش ایشان نگرش خیلی خوب و در تفسیر آیات خیلی خوب وارد شدند در عین حال از بعضی قضایا غفلت کردند یکی اینکه قرآن می‌فرماید «یسئلونک عن ذی القرنین» اول اینکه چه کسی سوال کرد؟ پرسش کنندگان یهودی بودند که سه سوال جهت اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) بواسطه از ایشان پرسیدند: ۱. اصحاب کهف ۲. جریان حضرت موسی (ع) و خضر نبی (ع) ۳. ذوالقرنین و این نشون میده یه شخصیت تاریخی قبل از اسلام بوده به نام ذوالقرنین ولی آقای مستحسن اصلاً به این نکته توجه نداشتند ۲- نکته دیگه اینکه بنا بر قول معصوم هر آیه قرآن هفت وجه داره این دلیل همیشه چون آقای مستحسن این نظر رو بیان کردن پس نظر دیگری باطله اگه اینجور باشه پس در مورد سایر وقایع قرآنی مثل توفان نوح و اصحاب کهف و حمله ابرهه به کعبه و سپاه فیل سوار نیز باید شک کرد بطور یقین هدف قرآن از نقل چنین داستان‌هایی عبرت آموزی و پند گرفتن و هدایت بشر بوده بنابراین هر واقعه می‌تونه هم وجه تاریخی داشته باشه و هم وجه آخرالزمانی و نباید به سادگی شخصیتی مثل علامه طباطبایی رو زیر سوال برد چون خود علامه هم نظر ابوالکلام ازاد رو خالی از اشکال نمی‌دونه تشکر منتظر پاسخ شما هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متوجه هستید نگاه جناب آقای مستحسن به موضوع سخت‌پیچیده‌ی آیات مربوط به ذی‌القرنین، نگاهی است در کنار سایر نگاه‌ها که از بعضی جهات، بعضی از ابعاد آیات را روشن می‌کند و همان‌طور که المیزان در حدّ خود به این موضوع پرداخته است ولی با نظر به تفسیر المیزان در این موضوع باز ابهاماتی در میان است؛ عیناً همین مسئله در مورد نگاه جناب آقای مستحسن هست. خوب است اگر فرصت کردید به عرایضی که بنده از سوره‌ی کهف در این مورد داشته‌ام و در قسمت کتاب‌ها، متن آن هست رجوع فرمایید. موفق باشید